نشریه مکتب احیاء، ۳ (٦)، ۲٤-۳۳/ بهار ١٤٠٤
https://doi.org/10.22034/3.6.4

مقالهٔ پژوهشی

# ارزیابی پیامدهای توسعه‌بخشی از منظر ساختار و اقتضائات درونی برنامه‌های توسعه‌ای

## (مطالعه موردی: کمپ B در بندر امام خمینی (ره))*

دلارام سبک‌رو[1]**
صبا جعفری[1]

۱. گروه معماری منظر، دانشکدهٔ معماری، دانشکدگان هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، ایران

**اطلاعات مقاله**

**تاریخ دریافت:** ۱۴۰۳/۱۲/۱۳
**تاریخ بازنگری:** ۱۴۰۴/۰۱/۱۸
**تاریخ پذیرش:** ۱۴۰۴/۰۲/۲۵
**تاریخ انتشار:** ۱۴۰۴/۰۳/۰۱

**واژگان کلیدی**
عدالت اجتماعی، سیاست‌گذاری توسعه، سکونتگاههای غیررسمی، زیرساخت شهری، نابرابری فضایی

**چکیده**

در دهه‌های اخیر، مفهوم توسعه به یکی از ارکان اصلی سیاست‌گذاری شهری و منطقه‌ای بدل شده و اغلب با هدف بهبود کیفیت زندگی، کاهش نابرابری‌های فضایی و ارتقای زیرساخت‌ها در مناطق کمتر برخوردار مطرح شده است. با این حال، نتایج حاصل از اجرای برنامه‌های توسعه‌ای در بسیاری از مناطق، به‌ویژه سکونتگاه‌های حاشیه‌ای، نشان از شکاف عمیق میان اهداف اعلام‌شده و پیامدهای واقعی دارد. پژوهش حاضر با رویکردی انتقادی، به واکاوی ساختار مفهومی و منطق درونی برنامه‌های توسعه در ایران می‌پردازد و تجربه زیسته‌ی محله کمپ B در بندر امام خمینی (ره) را به‌عنوان نمونه‌ای از بازتاب این ساختارها بررسی می‌کند. این مطالعه با بهره‌گیری از روش کیفی و مطالعه موردی تفسیرگرایانه، از ترکیب تحلیل اسنادی برنامه‌های رسمی توسعه و مشاهده میدانی در کمپ B استفاده کرده‌است. در مرحله نخست، مجموعه‌ای از مؤلفه‌ها که نشانگر ضعف‌های ساختاری و مفهومی در برنامه‌ها هستند از جمله فقدان انسجام راهبردی، عدم انعطاف‌پذیری، مشارکت‌ناپذیری اجتماعی، غیبت عدالت فضایی و اجتماعی، ضعف نهادی و سیاستی، اقتصادگرایی افراطی و کم‌توجهی به خدمات انسانی و زیرساخت‌های پایه استخراج شدند و سپس، با وضعیت زیستی و اجتماعی محله تطبیق داده شدند. یافته‌ها حاکی از آن است که بحران‌های پایدار در کمپ B نه‌تنها نتیجه ضعف‌های اجرایی، بلکه بازتاب مستقیم همان مؤلفه‌هایی است که در ذات و منطق برنامه‌های توسعه‌ای نهادینه شده‌اند. در واقع، پژوهش نشان می‌دهد که شکست در این نمونه، بازتابی از یک قاعده فراگیر است که از درون ساختار برنامه‌ها تغذیه می‌شود. از این‌رو، تنها با بازنگری در بنیان‌های مفهومی و گذار از رویکردهای بالا به پایین به سمت برنامه‌ریزی زمینه‌محور، مشارکتی و عدالت‌محور، می‌توان به توسعه‌ای انسانی و پایدار امیدوار بود

* این مقاله برگرفته از طرح پژوهشی «منظر رنج؛ مصایب توسعه دیگران در جامعه محلی؛ نمونه مطالعه: شهر سربندر» است که تحت نظارت دکتر سیدامیر منصوری در اسفندماه ۱۴۰۳ در پژوهشکده هنر، معماری و شهرسازی نظر و با حمایت مرکز معماری حوزه هنری انقلاب اسلامی به انجام رسیده است.

** نویسندهٔ مسئول: ۰۹۱۲۶۱۵۹۹۲۰ ,delaram.sabokro@ut.ac.ir

This is an open access article disributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution License (http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/)



[ Downloaded from jors-sj.com on 2026-11-24 ]
[ DOI: DOI: 10.22034/3.6.4 ]

## مقدمه

مفهوم «توسعه» در ادبیات معاصر، مفهومی پیچیده، چندبُعدی و در عین حال مبهم به شمار می‌رود که طی دهه‌های اخیر به یکی از اصلی‌ترین چارچوب‌های نظری در عرصه برنامه‌ریزی شهری و منطقه‌ای تبدیل شده‌است. توسعه، به‌ویژه در کشورهای در حال گذار، اغلب به‌عنوان راهبردی برای ارتقاء کیفیت زندگی، بهبود زیرساخت‌ها و کاهش نابرابری‌های فضایی و اجتماعی معرفی می‌شود.

با این حال، تجربه‌های اجرایی در برخی مناطق هدف نشان داده‌اند که تحقق این اهداف همواره ساده و خطی نبوده‌است. در بسیاری از موارد، فاصله‌ای معنادار میان مقاصد برنامه‌ها و شرایط واقعی اجتماعی، اقتصادی و فضایی پدید آمده که این امر ضرورت بازنگری در روندها و رویکردهای موجود را برجسته می‌سازد. این چالش‌ها به‌ویژه در برنامه‌هایی نمود یافته‌اند که با رویکردی برون‌زا و بدون مشارکت فعال جوامع محلی طراحی و اجرا شده‌اند

در همین راستا، نوع خاصی از مداخلات توسعه‌ای که تحت عنوان «توسعه‌بخشی» شناخته می‌شود، جایگاه ویژه‌ای در ساختار برنامه‌ریزی کشور یافته است. این رویکرد، معمولاً بر پایه اهداف بخشی و منطق کلان‌نگر، از سطوح ملی و استانی به مناطق مختلف تعمیم داده می‌شود؛ بی‌آنکه الزاماً پیوندی مؤثر با نیازها و اقتضائات بومی برقرار کند

در این میان، تجربهٔ کمپ B در بندر امام خمینی (ره) نمونه‌ای قابل تأمل از پیامدهای چنین رویکردی است. محله‌ای با پیشینه‌ای خاص که ابتدا به‌عنوان سکونتگاه موقت کارکنان پتروشیمی شکل گرفت، اما در پی موج‌های متوالی مهاجرت، به یکی از محله‌های پرجمعیت و اجتماعی شهر سربندر تبدیل شد. این محله امروزه با مجموعه‌ای از مسائل کالبدی، حقوقی و اجتماعی مواجه است؛ از جمله فقدان زیرساخت‌های مناسب، بلاتکلیفی در وضعیت مالکیت اراضی، ضعف در ارائه خدمات عمومی، و کاهش انسجام و سرمایه اجتماعی در میان ساکنان. این واقعیت‌ها، پرسش‌هایی جدی را پیش‌روی برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران قرار می‌دهد

- چرا در شرایطی که هدف برنامه‌های توسعه‌ای، بهبود وضعیت سکونت و کیفیت زندگی در مناطقی چون کمپ B بوده‌است؟ نتایج حاصل با افزایش محرومیت، ناپایداری و بحران همراه شده‌اند؟

در این راستا، این پژوهش برای پاسخ به پرسش اصلی، به پرسش‌های فرعی زیر می‌پردازد

- آیا باید دلایل این ناکامی‌ها را در ضعف اجرای برنامه‌ها، چالش‌های نهادی و موانع اقتصادی و اجتماعی جست‌وجو کرد؟

- ممکن است بخشی از ریشه‌های این وضعیت، در لایه‌های مفهومی و ساختاری برنامه‌ریزی توسعه نهفته باشد؟

پژوهش حاضر با تمرکز بر تجربه کمپ B در بندر امام خمینی (ره)، در تلاش است تا از رهگذر تحلیل وضعیت میدانی محله و بررسی اسناد و برنامه‌های توسعه‌ای مرتبط، به درکی روشن‌تر از رابطه میان سیاست‌گذاری توسعه و پیامدهای آن در سطح محلی دست‌یابد. بازخوانی این نسبت می‌تواند زمینه‌ساز بازنگری در شیوه‌های رایج برنامه‌ریزی و گشایش افق‌هایی نو در مسیر طراحی توسعه‌های زمینه‌محور و اجتماع‌گرا باشد. در این میان، مطالعه موردی کمپ B فرصتی فراهم می‌آورد تا به ابعاد پنهان‌تر و ساختاری‌تر منطق برنامه‌ریزی توسعه‌ای در ایران پرداخته شود؛ ابعادی که شناخت آن‌ها می‌تواند به درک بهتری از چرایی ناکامی‌های توسعه در مقیاس‌های محلی منجر گردد

شایان ذکر است که در این مقاله، اصطلاح «توسعه» به دو معنا به‌کار رفته است: نخست، در مواردی که عنوان رسمی اسناد و برنامه‌های شهری و منطقه‌ای (مانند «سند آمایش سرزمین»، «طرح جامع» یا «طرح تفصیلی») به‌صراحت از واژهٔ توسعه استفاده کرده‌اند؛ و دوم، در معنای عام فرایند برنامه‌ریزی شهری. بدیهی است که این کاربرد به‌معنای پذیرش بی‌چون‌وچرای بار معنایی غربیِ این واژه نیست. همان‌گونه که برخی پژوهشگران پیشنهاد کرده‌اند، می‌توان در بسیاری از متون به‌جای «توسعه» از واژهٔ «پیشرفت» استفاده کرد تا از تقلیل این مفهوم به الگوی واحد و خطی غربی پرهیز شود. با این توضیح، استفاده از واژهٔ توسعه در مقاله حاضر، صرفاً به دلیل وفاداری به عناوین اسناد رسمی و رویه‌های جاری در ادبیات برنامه‌ریزی ایران بوده‌است

## روش پژوهش

پژوهش حاضر با رویکردی کیفی و در قالب یک مطالعه موردی تفسیرگرایانه انجام شده‌است. سکونتگاه غیررسمی کمپ B در بندر امام خمینی (ره) به‌عنوان نمونه موردی پژوهش انتخاب شده که به‌طور معناداری بازتابی از پیامدهای سیاست‌گذاری‌های توسعه‌ای در سطح محلی محسوب می‌شود. برای گردآوری داده‌ها، از ترکیب دو روش تحلیل اسنادی و مشاهده میدانی استفاده شده‌است. در مرحله نخست، مجموعه‌ای از اسناد رسمی توسعه‌ای در سطح استان خوزستان شامل طرح‌های شهری، برنامه‌های کلان، و اسناد آمایش سرزمین با استفاده از تحلیل محتوای کیفی بررسی گردید تا مؤلفه‌هایی که بیانگر ضعف در ساختار مفهومی و منطق درونی این برنامه‌ها هستند، استخراج شوند. در ادامه، داده‌های میدانی از طریق مشاهده مستقیم وضعیت کالبدی، اجتماعی و خدماتی محله کمپ B گردآوری شد و با اطلاعات ثانویه مرتبط تکمیل گردید. در مرحله تحلیل، داده‌های حاصل از این دو مسیر به‌صورت تطبیقی و تفسیری مورد بررسی قرار گرفتند تا نسبت میان الگوی برنامه‌ریزی توسعه‌ای و واقعیت‌های اجتماعی-فضایی در سطح محلی آشکار شود. این رویکرد امکان ارزیابی انتقادی از عملکرد ساختارهای رسمی برنامه‌ریزی و بازتاب آن‌ها در زندگی روزمره ساکنان سکونتگاه‌های حاشیه‌ای را فراهم ساخته است

## مبانی نظری

### • توسعه؛ سیر تاریخی، مفهومی و چالش‌های ساختاری

مفهوم توسعه از بنیادی‌ترین و درعین‌حال پیچیده‌ترین مفاهیم در علوم اجتماعی و سیاست‌گذاری است که از زوایای نظری، فرهنگی و سیاسی به‌گونه‌های مختلف تفسیر شده‌است. در ریشه‌شناسی



[ Downloaded from jors-sj.com on 2026-11-24 ]

[ DOI: DOI: 10.22034/4]

لاتین، واژه «توسعه» مفهومی کیفی دارد که به معنای گشودن، تکامل و درک‌کردن تلقی شده و در برابر «رشد» به‌عنوان مفهومی صرفاً کمی و به‌معنای بزرگ‌تر شدن قرار می‌گیرد. به همین دلیل، در ادبیات علمی، توسعه نه‌تنها با رشد اقتصادی تفاوت دارد، بلکه آن را مفهومی چندبعدی می‌دانند که فراتر از افزایش تولید و درآمد، بر بهبود کیفیت زندگی، عدالت اجتماعی و پویایی فرهنگی تأکید دارد (ازکیا و غفاری، ۱۳۹۳، ۲۴).

توسعه، فرایندی جامع و درهم‌تنیده از تحولات اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی است که هدف آن ارتقای شرایط زیستی مردم، افزایش مشارکت عمومی و توزیع عادلانه منابع و فرصت‌ها در سطح جامعه است (Attfield & Wilkins, 1992, 94) (تصویر ۱). این فرایند باید به‌گونه‌ای طراحی شود که اکثریت جامعه، به‌ویژه اقشار محروم و کم‌درآمد را دربرگیرد و جهت‌گیری مشخصی به نفع گروهی خاص نداشته باشد (مهدی‌پور، ۱۳۷۷، ۲۳). همچنین معنا و مصادیق آن در بسترهای مختلف فرهنگی و تاریخی، همواره در حال تحول است (Taqipour Akhtari & Alipour Tabrizi, 2023) در این نگاه، توسعه فرایندی پویا و چندسطحی است که با رشد اقتصادی پیوند دارد (Morin, 2003) و درعین‌حال، فرایندی پیچیده و اجتماعی است که نیازمند تحلیل زمینه‌ای، نهادی و انسانی است (Rabie, 2016, 19). این نگاه چندوجهی به توسعه، آن را از سطح اقتصادی فراتر برده و در مرکز گفتمان عدالت، مشارکت و معناسازی اجتماعی قرار می‌دهد.

مفهوم توسعه در ادبیات سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی معاصر، مفهومی چندوجهی و پویاست که در طول زمان دچار دگرگونی‌های بنیادین شده است. این واژه از نیمه دوم قرن بیستم، به‌ویژه پس از جنگ جهانی دوم، به یکی از ارکان اصلی اندیشه‌های مرتبط با بهبود شرایط اقتصادی، اجتماعی و فضایی جوامع بدل شد. در ابتدا، توسعه معادل رشد اقتصادی، صنعتی‌شدن و مدرن‌سازی در نظر گرفته می‌شد؛ اما با گذر زمان و انباشت تجربیات متنوع و نقدهای نظری، این تعریف دچار تحول شد و ابعاد انسانی، فرهنگی، محیط‌زیستی و اجتماعی نیز به آن افزوده گردید (Todaro & Smith, 2009). توسعه در مفهوم پایه، دیدگاهی سیاسی است و بر ابعاد سیاسی-اقتصادی تأکید دارد. وجه تمدنی آن با هدف نفوذ در کشورهای در حال توسعه تعریف شده است (Apter, 1967). با این حال، ریشه‌های مفهومی توسعه را می‌توان در قرن نوزدهم و در بستر استعمار نیز دنبال کرد. در قرن

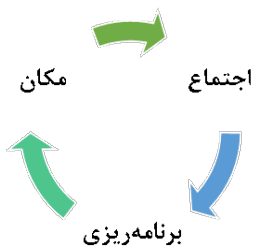


تصویر ۱. مؤلفه‌های پایه تعریف توسعه. مأخذ: نگارندگان.

۲۰، این روند به‌گونه‌ای پیش رفت که توسعه به بستری برای ترویج مصرف‌گرایی و تسهیل ورود کالاهای غربی به کشورهای پیرامونی تبدیل شد؛ درحالی‌که هم‌زمان، بهره‌برداری بی‌رویه از منابع طبیعی، به آسیب‌های زیست‌محیطی و تضعیف ساختارهای اجتماعی منجر شد (Mansouri, 2025).

با توجه به تاریخچه و سیر تحول مفهومی توسعه، امروزه در ادبیات جهانی توسعه می‌توان سه تعریف پایه برای این مفهوم بیان کرد: ۱. توسعه به‌عنوان یک فرآیند بلندمدت تحول ساختاری-اجتماعی که بر دگرگونی‌های اساسی در ساختارهای اجتماعی، اقتصادی و نهادی تأکید دارد. در این دیدگاه، توسعه نوعی پویش تاریخی و تدریجی تلقی می‌شود که با تغییر در ساختارهای عمیق اجتماعی همراه است (Rist, 2001). ۲. توسعه به‌مثابه یک نتیجه میان‌مدت که بر دستیابی به اهداف مشخص از طریق برنامه‌ریزی‌های منطقه‌ای و تعیین شاخص‌های عملکردی متمرکز است (Almeida, 1994). ۳. توسعه به‌عنوان یک گفتمان مسلط مدرنیته غربی که در آن توسعه نه صرفاً یک پروژه اقتصادی، بلکه مفهومی اجتماعی-فرهنگی است. این دیدگاه با نقد پیامدهای منفی توسعه‌گرایی کلاسیک، بر تعادل میان ابعاد اقتصادی، اجتماعی و محیطی تأکید می‌کند. توسعه پایدار، توسعه اجتماعی، توسعه سیاسی و سایر اشکال نوین توسعه از دل این گفتمان سربرآورده‌اند (Veiga, 2005). این سه رویکرد نشان می‌دهند که توسعه مفهومی یک‌سویه و ایستا نیست، بلکه در روند دیالکتیکی میان بستر تاریخی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی، به بازتولید اشکال مختلف توسعه مانند توسعه پایدار، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و گردشگری منجر می‌شود

در ایران نیز تجربه‌ای ممتد از سیاست‌گذاری‌های توسعه‌محور از دوران رضاخان تا امروز قابل مشاهده است؛ تجربه‌ای که عمدتاً در قالب طرح‌های عمرانی و برنامه‌های پنج‌ساله شکل گرفته است. اگرچه این برنامه‌ها در بستر دولت‌های مختلف و با رویکردهای سیاسی متنوع تدوین شده‌اند، اما از نظر ساختاری، اغلب از الگوی مشابهی پیروی کرده‌اند. وجه مشترک آن‌ها، تسلط نگاه فنی، بالا به پایین و کم‌توجهی به زمینه‌های اجتماعی، فرهنگی و مشارکتی بوده است؛ رویکردی که در سطح محلی، در بسیاری موارد به نتایجی متناقض، ناپایدار و گاه واگرایانه منتهی شده است. در همین چارچوب، مقصودی تأکید می‌کند که سیاست‌های پیگیری‌شده در بحث توسعه شهری در دوره‌های مختلف، به دلیل فقدان ساختارها و نهادهای دموکراتیک، به نوعی متکی بر یک نگاه یک‌جانبه‌گرایانه و بدون مشارکت مردم بوده‌اند (Maghsoudi, 2019).

توسعه در اصل با هدف بازتوزیع عادلانه منابع و ارتقای حقوق انسانی شکل گرفته است (Antoniades et al., 2021) و امروزه دو محور کلیدی آن در سطح جهانی، رشد اقتصادی و عدالت اجتماعی تلقی می‌شود. با این حال، تجربه نشان داده که توسعه نمی‌تواند به‌صورت نسخه‌ای واحد برای همه مکان‌ها تجویز شود. هر منطقه دارای ویژگی‌ها، ظرفیت‌ها و اقتضائات بومی خاصی است که نادیده‌گرفتن آن‌ها، اثربخشی برنامه‌های توسعه‌ای را تضعیف می‌کند. توسعه مکان‌محور



[ Downloaded from jors-sj.com on 2026-11-24 ]
[ DOI: DOI: 10.22034/3.6.4 ]

بر این اصل استوار است که برنامه‌ریزی باید متناسب با بافت اجتماعی، فرهنگی و فضایی هر منطقه صورت گیرد، نه براساس الگوهای استاندارد و از پیش‌تعیین‌شده. در همین راستا، سبکرو و همکاران در مطالعه‌ای میدانی بر روستاهای کوهدشت نشان داده‌اند که تنها در صورت توجه به ظرفیت‌های محلی است که می‌توان به توسعه‌ای پایدار و کارآمد دست یافت؛ توسعه‌ای که نه تحمیل‌شده از بالا، بلکه برخاسته از نیازهای واقعی ساکنان باشد (Sabokro et al., 2024). با این‌حال، تجربه تاریخی توسعه در بسیاری از کشورها از جمله ایران حاکی از آن است که از زمانی که توسعه در قالب برنامه‌ای واحد و عمدتاً شهر-محور و صنعتی تعریف شد، مناظر مکانی دگرگون شده و روایت‌های مختلفی از آن پدید آمده است (مخلص و جعفری، ۱۴۰۳)؛ روایت‌هایی که گاه فاصله‌ای معنادار با زیست‌جهان مردم و بسترهای محلی دارند

رشد اقتصادی، کاهش فقر، بهبود اقتصاد محلی و توسعه پایدار از مهم‌ترین اهداف توسعه به‌شمار می‌روند. در این راستا، توسعه شهری از طریق «توسعه محلی» سازماندهی می‌شود تا اقدامات سیاسی برای رشد اقتصادی و کاهش فقر در سطح ملی هماهنگ شوند. این برنامه بر افزایش رقابت‌پذیری، رشد پایدار، ایجاد اشتغال و اطمینان از شمول اجتماعی تمرکز دارد و مبتنی‌بر رویکرد مشارکتی است (Behzadfar & Ziari, 2023) (تصویر ۲).

بر اساس تصویر ۲ و راهبردهای توسعه پایدار، باید فرایندی همه‌جانبه و مداوم طی شود تا در چارچوب آن، «توانایی‌های اجتماع» در جهت رفع نیازهای مادی و معنوی و در عین حفظ توازن میان اجزای تشکیل‌دهنده نظام سکونت محلی، رشد و تعالی یابند (خوشفر و همکاران، ۱۳۹۳). تمرکز صرف بر ابعاد منفرد اقتصادی، اجتماعی، کالبدی و زیست‌محیطی، بدون درک روابط میان آن‌ها، نمی‌تواند منجر به توسعه پایدار شهری شود. شهر به‌عنوان نظامی پیچیده و پویا، تنها زمانی می‌تواند مسیر پایداری را طی کند که اجزای آن با یکدیگر و با محیط پیرامون در تعاملی پویا قرار داشته باشند. ازاین‌رو، لزوم نگاه کل‌نگر و سیستمی به شهر در فرایند سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی بیش از پیش آشکار می‌شود

در پاسخ به پیامدهای منفی توسعه نامتوازن، دنیای غرب از نیمه دوم قرن ۲۰ به بازتعریف توسعه روی آورد. این تلاش‌ها به پیدایش

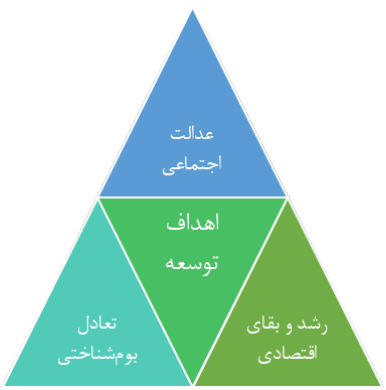


تصویر ۲. اهداف توسعه مکان‌مند. مأخذ: نگارندگان.

مفاهیمی چون «توسعه پایدار» منجر شد که بر حفظ محیط زیست، عدالت بین‌نسلی و توجه به ابعاد فرهنگی و اجتماعی تأکید دارند. یکی از رویکردهای رایج، مدل «توسعه‌بخشی» است که بر تفکیک حوزه‌های تخصصی مانند کشاورزی، صنعت، حمل‌ونقل و خدمات تمرکز دارد و هر بخش توسط نهادهای مستقل هدایت می‌شود. این الگو، اگرچه در سطوح بخشی ممکن است موفق باشد، اما به دلیل نبود نگاه کل‌نگر و انسجام سرزمینی، در مواجهه با مسائل پیچیده و چندبعدی اغلب ناکارآمد است (Friedmann, 1992). این وضعیت گاه پروژه‌هایی را موفق نشان می‌دهد که با نادیده‌گرفتن ابعاد اجتماعی و زیست‌محیطی، منشأ نابرابری‌ها و چالش‌های جدید می‌شوند

از سوی دیگر، دیدگاهی وجود دارد که توسعه را نوعی «مداخله اقتدارگرا» می‌داند. در این رویکرد، برنامه‌ریزی‌ها بدون مشارکت واقعی جوامع محلی و با تکیه بر شاخص‌های از پیش تعیین‌شده انجام می‌شوند. اسکات در کتاب Seeing Like a State نشان می‌دهد که چگونه دولت‌ها با نادیده‌گرفتن زمینه‌های بومی و پیچیدگی‌های زیست‌جهان مردمان، پروژه‌هایی را اجرا می‌کنند که نه‌تنها ناکام می‌مانند، بلکه منبعی از بحران و نارضایتی می‌شوند. وی علت شکست بسیاری از این طرح‌ها را در سادەسازی مفرط و بی‌توجهی به واقعیت‌های محلی می‌داند (Scott, 2020). با وجود تلاش‌هایی در دهه‌های اخیر برای اصلاح این روند از طریق پیوست‌های اجتماعی، فرهنگی و زیست‌محیطی، ماهیت ابزاری و جزیره‌ای این اسناد مانع اثرگذاری واقعی آن‌ها شده‌است

شهرها در دهه‌های اخیر، به‌عنوان کانون‌های اصلی رشد شناخته شده‌اند، اما هم‌زمان با چالش‌های توسعه نیز مواجه هستند (Sivaev, 2015). ارزیابی تجربه توسعه‌های صرفاً عینی، نشان از ناکامی آن‌ها در تأمین رضایت انسانی دارد. درک جدید از توسعه باید به شکلی باشد که ضمن توجه به ابعاد کالبدی، به ابعاد ذهنی و ادراکی انسان نیز بپردازد؛ چرا که کیفیت زیست انسان، برخاسته از پیوند میان ابعاد عینی و ذهنی فضاست. ازاین‌رو، توجه به توسعه با محوریت درک یکپارچه از بستر و مکان‌مندی، ضرورتی انکارناپذیر است

## نقد ساختاری برنامه‌های توسعه در استان خوزستان

اگرچه برنامه‌های توسعه‌ای استان خوزستان در اسناد رسمی متنوع و چندوجهی به نظر می‌رسند، اما تحلیل محتوای این برنامه‌ها حاکی از آن است که در سطح ساختاری با مجموعه‌ای از کاستی‌های بنیادین روبه‌رو هستند. این کاستی‌ها به‌گونه‌ای در لایه‌های طراحی، اجرا و منطق درونی برنامه‌ها تنیده شده‌اند که نه‌تنها مانع از تحقق اهداف توسعه می‌شوند، بلکه در مواردی به بازتولید مسائل اجتماعی و فضایی منجر شده‌اند. بررسی دوازده برنامه کلان توسعه‌ای ارائه‌شده در اسناد رسمی، بستر مناسبی برای شناسایی این چالش‌ها فراهم می‌آورد

نخست، در حوزه برنامه‌ریزی شهری، تجربه بندر امام خمینی (ره) گویای نوعی ناتوانی ساختاری در مواجهه با شرایط بحرانی است. طرح تفصیلی مصوب سال ۱۳۹۲، پس از وقوع سیل گسترده در



[ Downloaded from jors-sj.com on 2026-11-24 ]

[ DOI: DOI: 10.22034/jors.2025.4 ]

سال ۱۳۹۹، کارایی خود را از دست داد و بنیاد مسکن ناگزیر شد فرآیند جایگزینی را برای محلات در معرض خطر پیشنهاد دهد. این رخداد نشان می‌دهد که برنامه‌ریزی در قالب‌های سخت‌گیرانه و فاقد انعطاف‌پذیری، توانایی پاسخگویی به تحولات ناگهانی و غیرقابل پیش‌بینی را ندارد. در کنار این، عدم وجود پیوست‌های مالی و اقتصادی مؤثر و فقدان اولویت‌بندی اجرایی، از دیگر عوامل ناکارآمدی این برنامه‌هاست (مرکز معماری اسلامی و حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۴۰۲).

ایـن ناتوانی ساختاری، به شکل شدیدتری در برنامه‌های مربوط به ساماندهی سکونتگاه‌های غیررسمی خود را نشان می‌دهد. در این برنامه‌ها، تأکید صرف بر مداخلات کالبدی همچون احداث مسکن یا بهسازی معابر بدون توجه به زمینه‌های معیشتی، اجتماعی و فرهنگی، حاکی از رویکردی یک‌سویه و بالا به پایین است. چنین نگاهی، نه‌تنها به بهبود وضعیت این محلات منجر نشده، بلکه با نادیده گرفتن بافتارهای اجتماعی، زمینه‌ساز بیگانگی، بی‌خانمانی پنهان و جابه‌جایی آسیب‌های اجتماعی در قالبی نو شده‌است

در ادامه همین مسیر، نقدهای مشابهی به سیاست‌گذاری در سطح کلان سرزمینی و اقتصادی نیز وارد است. اسناد رسمی توسعه استان، اگرچه اهدافی آرمانی چون کاهش نابرابری، حفظ منابع طبیعی و توسعه زیرساخت را مطرح می‌کنند، اما در اجرا فاقد راهبردهای عملیاتی، شاخص‌های سنجش‌پذیر و سازوکارهای اولویت‌بندی‌اند. این فقدان سازوکار اجرایی، باعث شده سیاست‌ها بیشتر در سطح شعار باقی بمانند و فاصله‌ای چشمگیر میان آنچه بر کاغذ آمده و آنچه در عمل رخ می‌دهد شکل گیرد (سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان خوزستان، ۱۳۹۸).

ایـن وضعیت زمانی پیچیده‌تر می‌شود که اتکای صرف به بخش خصوصی نیز به‌عنوان راهبردی غالب در حوزه‌هایی چون کشاورزی، صنعت و خدمات به چشم می‌خورد؛ چراکه در غیاب حمایت ساختاری دولت و نهادهای عمومی، بار اصلی توسعه بر دوش سرمایه‌گذارانی گذاشته شده که اغلب تمایلی به فعالیت در مناطق محروم ندارند. چنین رویکردی، به‌جای توزیع فرصت‌ها و تعادل فضایی، به تعمیق شکاف‌های منطقه‌ای و بازتولید نابرابری انجامیده است. نمونه بارز این خوش‌بینی ساختاری را می‌توان در برنامه توسعه کشاورزی استان خوزستان مشاهده کرد؛ برنامه‌ای که با اتکا بر ظرفیت‌های طبیعی مانند آب و خاک و در غیاب توجه کافی به بحران‌های اقلیمی، شوری زمین و آسیب‌های زیست‌محیطی، تدوین شده و در نتیجه، به بهره‌برداری‌های غیراصولی و ناپایداری اکولوژیکی منجر شده است؛ پدیده‌ای که در تضاد آشکار با اهداف بلندمدت توسعه قرار دارد. این ضعف ساختاری، ابعاد نهادی برنامه‌های توسعه را نیز تحت تأثیر قرار داده است؛ به‌گونه‌ای‌که طرح‌هایی با هدف تمرکززدایی نهادی یا ایـجاد ابزارهای مالی چون بورس و بانک توسعه‌ای، به‌دلیل فقدان سازوکارهای پاسخ‌گویی و مشارکت مردمی، عملاً به تمرکز بیشتر منابع در دست نهادهای رسمی انجامیده‌اند. این تمرکزگرایی، نه‌تنها شکاف دولت و جامعه را عمیق‌تر کرده، بلکه مشارکت فعال مردم را از چرخه توسعه کنار گذاشته است. در همین راستا، اسناد بالادستی نظیر سند آمایش سرزمین نیز، با وجود هدف‌گذاری‌هایی مانند بهینه‌سازی تخصیص سرمایه‌گذاری یا کاهش بیکاری، فاقد سازوکاری برای تضمین توزیع عادلانه منابع یا تحقق مشارکت اجتماعی مؤثر هستند. تمرکز بر پروژه‌هایی مانند توسعه دریاپایه یا بنادر ساحلی، که بیشتر در راستای منافع تجاری و با بی‌توجهی به منافع اجتماعی طراحی شده‌اند، موجب شده‌است فضاهای عمومی طبیعی در تصرف فعالیت‌های انحصاری قرار گرفته و جوامع محلی از دسترسی به آن‌ها محروم شوند. در نهایت، ضعف تاریخی در ارائه خدمات عمومی از جمله آموزش، بهداشت، و خدمات اجتماعی و فرهنگی، تصویری نگران‌کننده از توسعه‌ای ناپایدار و ناعادلانه ترسیم می‌کند؛ چنان‌که آمارها نشان می‌دهد ضریب مکانی این خدمات در استان خوزستان پایین‌تر از میانگین کشوری است، که خود بیانگر بی‌تناسبی میان رشد صنعتی و توسعه انسانی در این منطقه است (همان).

در مجموع، تحلیل انتقادی این برنامه‌ها نشان می‌دهد که مجموعه‌ای از مؤلفه‌های کلیدی نظیر فقدان انسجام راهبردی، نبود انعطاف‌پذیری و انطباق‌پذیری، مشارکت‌ناپذیری اجتماعی، غفلت از عدالت فضایی و اجتماعی، ضعف در ظرفیت نهادی، و غلبه عقلانیت اقتصادی و تکنوکراتیک در لایه‌های مختلف سیاست‌گذاری حضور دارد. در ادامه، ایـن مؤلفه‌ها به‌عنوان معیارهای ارزیابی تحلیلی، در بررسی وضعیت محله کمپ B به کار گرفته خواهند شد تا نحوه بازتاب این چالش‌ها در سطح میدانی سنجیده شود (جدول ۱).

## کمپ B؛ بازتاب منطق توسعه‌بخشی در مقیاس محلی

محلهٔ کمپ B (شهرک شهید صباغان)، با وسعتی حدود ۴۰ هکتار در جنوب‌غربی بندر امام خمینی (ره)، یکی از بارزترین نمونه‌های سکونتگاه‌های شکل‌گرفته تحت تأثیر الگوهای بخشی و اقتدارگرای توسعه در ایران معاصر به‌شمار می‌آید (تصویر ۳). ایـن محله، نه‌تنها از منظر کالبدی و فضایی، بلکه از نظر اجتماعی و نهادی نیز، بازتابی زنده از نتایج مداخله‌گری‌های بالا به پایین و برنامه‌ریزی‌های فاقد پیوست‌های انسانی است

تاریخچه شکل‌گیری این سکونتگاه با مهاجرت‌های کاری در دهه ۱۳۵۰ آغاز شد. نخستین گروه‌های کارگری ایرانی و ژاپنی هم‌زمان با راه‌اندازی تأسیسات بندری در سال ۱۳۵۲ در مجاورت این مجموعه‌ها مستقر شدند (تصویر ۴). در آن زمان، سربندر زمینی بایر بود و این ناحیه به‌عنوان نخستین زیستگاه انسانی پیرامون بندر ظهور یافت (تصویر ۵). با گسترش فعالیت‌های بندری و پتروشیمی، محل سکونت کارگران به تدریج به نواحی داخلی‌تر حدود ۱۵ کیلومتری بندر منتقل شد و با ورود دو موج مهاجرتی عمده در دهه‌های ۱۳۶۰ و ۱۳۷۰ یکی ناشی از جنگ و دیگری اقتصادی محله کمپ B به نقطه تمرکز جمعیت مهاجر و به‌تبع آن، به کانونی تاریخی-اجتماعی در سطح شهر تبدیل شد (سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان خوزستان، ۱۳۹۷؛ مرکز ملی آمار، ۱۳۸۵).



[ Downloaded from jors-sj.com on 2026-11-24 ]
[ DOI: DOI: 10.22034/3.6.4 ]

جدول ۱ . ابعاد و مؤلفه‌های ضعف در برنامه‌های توسعه‌ای استان خوزستان. مأخذ: نگارندگان.

| مؤلفه‌های ضعف در برنامه‌های توسعه‌ای | تفصیل و ویژگی‌های هر ضعف |
|---|---|
| ضعف در انسجام راهبردی و نظام‌مندی برنامه‌ها | رویکرد بخشی و جزیره‌ای به جای نگاه یکپارچه و سرزمینی<br>تمرکز بر اهداف کمی و فنی بدون درنظر گرفتن زمینه‌های اجتماعی و فرهنگی<br>عدم اولویت‌بندی اجرایی و نبود جدول زمان‌بندی واقع‌بینانه<br>اتکای بیش از حد به برنامه‌ریزی از بالا به پایین (Top-Down) |
| فقدان انعطاف‌پذیری و انطباق‌پذیری | ناتوانی در تطبیق با شوک‌ها و بحران‌های محیطی (مانند سیل سال ۱۳۹۹)<br>طراحی برنامه‌ها بر مبنای پیش‌بینی کامل آینده بدون درک عدم قطعیت‌ها<br>نبود ظرفیت تطبیق در برابر تحولات اجتماعی و اقتصادی متغیر |
| مشارکت‌ناپذیری‌اجتماعی | فقدان مکانیسم‌های شفاف مشارکت محلی در فرآیند تصمیم‌گیری و اجرا<br>بی‌توجهی به نیازها، تجربه زیسته و ظرفیت‌های جوامع محلی<br>طراحی پروژه‌ها بدون رضایت یا درک اجتماعی ساکنان |
| فقدان عدالت فضایی و اجتماعی | توزیع نابرابر منابع و تمرکز توسعه در مناطق برخوردار<br>بی‌توجهی به مناطق حاشیه‌ای و محروم استان<br>عدم توجه به شاخص‌های عدالت فضایی در تخصیص اعتبارات<br>توسعه برون‌زا و بی‌ارتباط با هویت و منافع مردم محلی |
| ضعف نهادی و سیاستی | کلی‌گویی و نبود راهبردهای اجرایی دقیق و ابزارهای سنجش‌پذیر<br>تعارض منافع در اهداف اعلامی (توسعه اقتصادی - حفاظت محیط‌زیست)<br>نبود سازوکار پاسخ‌گویی و ارزیابی اثربخشی در سیاست‌های اجراشده |
| اقتصادگرایی افراطی و تکنوکرات‌محوری | تاکید افراطی بر جذب سرمایه‌گذار خصوصی بدون تعریف نقش دولت<br>اجرای پروژه‌ها با ذهنیت سودمحور و تکنیکی بدون سنجش پیامدهای اجتماعی<br>بهره‌برداری صرف از منابع طبیعی بدون توجه به پایداری محیطی |
| فقدان زیرساخت‌های پایه‌ای و خدمات انسانی | توسعه نامتوازن بخش‌های خدماتی (آموزش، سلامت، حمل‌ونقل) نسبت به صنعت<br>ضریب مکانی پایین خدمات انسانی در استان نسبت به میانگین کشوری<br>بی‌توجهی به زیرساخت‌های رفاهی، فرهنگی، درمانی و حمایتی |



تصویر ۴. تصویر هوایی از سربندر و کمپ B مأخذ: https://sbremrouz.blogfa.com/post/14.



. تصویر ۵. تصویری از خانه‌های کارگری در کمپ B. مأخذ: https://sbremrouz.blogfa.com/post/14.



[ Downloaded from jors-sj.com on 2026-11-24 ]

[ DOI: DOI: 10.22034/...4.1 ]

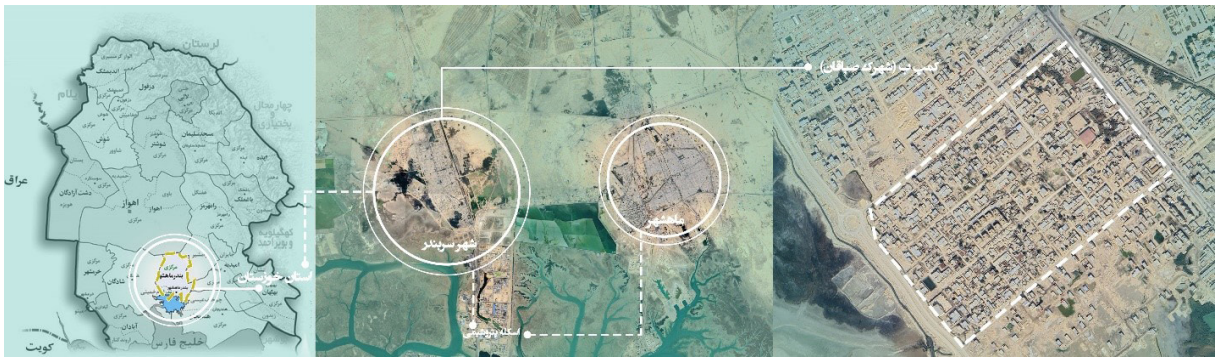


تصویر ۳. موقعیت مکانی نمونه مورد مطالعه. مأخذ: نگارندگان.

با وجود چنین پیشینه‌ای، کمپ B طی دهه‌های اخیر به یکی از محروم‌ترین و مسئله‌دارترین مناطق شهری کشور بدل شده است. وضعیت مبهم مالکیت اراضی و عدم شناسایی رسمی در طرح‌های شهری، منجر به محرومیت ساکنان از ابتدایی‌ترین خدمات شهری، حقوقی و زیرساختی شده است. تحلیل رفتار نهادهای سیاست‌گذار و اجرایی طی پنج دهه گذشته نشان می‌دهد که نگاه به این محله، نه به‌عنوان یک زیستگاه انسانی، بلکه به‌مثابه محل اقامت موقت و ابزاری برای بهره‌برداری اقتصادی عمدتاً توسط صنایع پتروشیمی بوده‌است. به‌زبان دیگر، رابطه‌ای ابزاری و تبعی بین ساختار توسعه و ساکنان این محله شکل گرفته است؛ رابطه‌ای که در آن، منافع سازمانی و مالکیتی بر مصالح انسانی اولویت داشته و مفهوم سوژه‌گی و عاملیت فردی ساکنان به حاشیه رانده شده‌است

در سال‌های اخیر، تلاش‌هایی برای نوسازی این محله توسط بنیاد مسکن صورت گرفته، اما این مداخلات نیز در چارچوب همان منطق بالا به پایین و بدون مشارکت واقعی ساکنان انجام شده‌اند. تخریب کپرهای قدیمی، واگذاری زمین معوض و اجرای سازه‌های تیپ و بی‌کیفیت، نه‌تنها منجر به بهبود شرایط نشده بلکه فضاهایی آسیب‌پذیرتر، بی‌ثبات‌تر و از نظر اجتماعی گسیخته‌تر را ایجاد کرده‌اند. خانه‌های جدید به‌واسطه نیمه‌کاره بودن، ضعف سازه‌ای و فقدان زیرساخت، نه تثبیت‌پذیرند و نه ارتقاءپذیر. در نتیجه، ساکنان در فضایی معلق، میان گذشته‌ای که از آن جدا شده‌اند و آینده‌ای که هنوز نرسیده، در نوعی «زندگی موقتیِ دائمی» گرفتار شده‌اند؛ نمونه‌ای آشکار از شکست توسعه اقتدارگرا در سطح محلی

برای تحلیل دقیق‌تر وضعیت این محله، بر اساس مشاهدات میدانی و تحلیل اسناد، می‌توان چالش‌های آن را در چهار دستهٔ اصلی طبقه‌بندی کرد؛ زیرساخت‌ها، خدمات عمومی، مسائل انسان‌محور و مسکن. این دسته‌ها نه‌تنها بازتاب‌دهنده وضعیت فیزیکی و اجتماعی محله‌اند، بلکه نشان‌دهنده تأثیر مستقیم ضعف‌های ساختاری در سیاست‌گذاری توسعه هستند (تصویر ۶).

## • زیرساخت‌ها

در کمپ B، زیرساخت‌های شهری در وضعیت بحرانی قرار دارند. فقدان شبکه فاضلاب شهری منجر به جاری شدن فاضلاب در جوی‌های روباز و تشدید آلودگی در زمان بارندگی شده‌است. آب شرب با کیفیتی پایین، گازرسانی ناقص، نبود آسفالت، روشنایی و سیستم مدیریت پسماند، همگی به تهدیدی برای سلامت و آسایش ساکنان تبدیل شده‌اند

## • مسائل اجتماعی و انسان‌محور

ترکیب چندقومیتی محله، به‌جای آن‌که فرصتی برای غنای فرهنگی باشد، به‌علت فقدان سیاست‌های ادغام اجتماعی، زمینه‌ساز شکاف‌ها و بی‌اعتمادی شده‌است. بیکاری گسترده، فقدان امکانات فرهنگی و تفریحی، احساس بی‌افقی، زمینه‌ساز بروز آسیب‌های اجتماعی چون اعتیاد، ناامیدی و خشونت شده‌اند

## • خدمات عمومی

این محله با کمبود شدید در حوزه خدمات مواجه است؛ از نبود مراکز درمانی و بهداشتی گرفته تا فقر در دسترسی به فضاهای فرهنگی، تفریحی و سبز. تخریب پوشش گیاهی طبیعی و بی‌توجهی به مدیریت بارندگی‌ها، آسایش اقلیمی را کاهش داده و بر حس محرومیت و نابرابری افزوده است

مسکن: خانه‌های نیمه‌تمام و بی‌کیفیت، بدون سند رسمی، با مصالح نامناسب و در برخی موارد محل سکونت چند خانواده، تصویری ناپایدار و مخاطره‌آمیز از سکونت‌پذیری ارائه می‌دهند. نبود امنیت کالبدی و حقوقی، ساکنان را در موقعیتی دائمی از بلاتکلیفی قرار داده‌است (اعتماد و همکاران، ۱۳۸۷، ۴).

## • جمع‌بندی

تمامی این موارد نشان می‌دهند که کمپ B نه صرفاً یک محلهٔ محروم، بلکه تجسمی زنده از سیاست‌های توسعه‌ای ناکارآمد و غیربومی است؛ جایی که توسعه، نه به معنای توانمندسازی، بلکه به شکل بازتولید نابرابری و محرومیت تحقق یافته است. این مطالعه موردی، بستری مهم برای درک نحوه عملکرد ساختارهای بخشی، اقتدارگرا و کالبدگرا در بسترهای واقعی و انسانی فراهم می‌آورد؛ ساختارهایی که در ادامه مقاله، در چارچوب معیارهای تحلیلی بخش پیشین، به‌طور تطبیقی بررسی خواهند شد

## بحث

بررسی تحلیلی و انتقادی مبانی نظری توسعه، در پیوند با مسئله پژوهش حاضر، نشان می‌دهد که ناکارآمدی سیاست‌گذاری‌های توسعه‌ای در مناطق حاشیه‌ای، ریشه در غلبه رویکردهای اقتدارگرایانه، کالبدی‌محور و تک‌بعدی دارد که از درک پیچیدگی‌های اجتماعی،



[ Downloaded from jors-sj.com on 2026-11-24 ]

[ DOI: DOI: 10.22034/3.6.4 ]

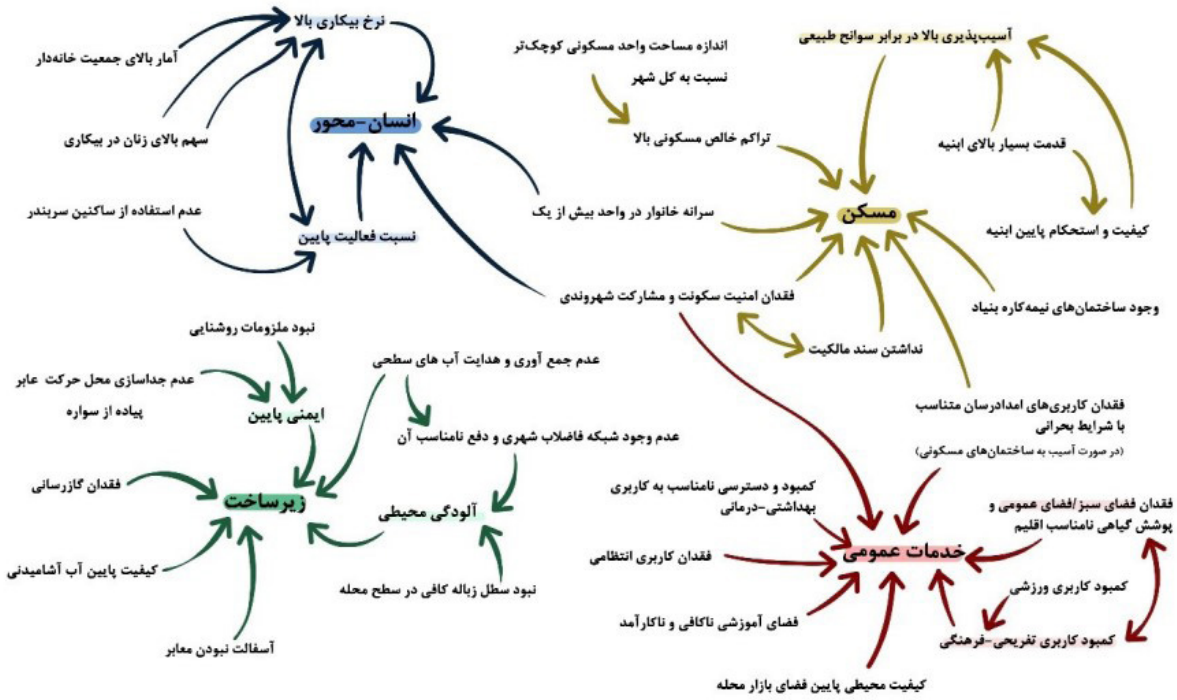


تصویر ۶. نمودار ارتباطات مسائل تشخیص داده شده کمپ B. مأخذ: مرکز معماری اسلامی، حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی، ۲۰۴۱.

فرهنگی و زیست‌محیطی بستر غافل مانده‌اند. این رویکرد، که در مبانی نظری با مفاهیمی چون توسعه‌بخشی، مداخله از بالا و ساده‌سازی نظام‌های محلی شناخته می‌شود، در تجربه موردی کمپ B در بندر امام خمینی (ره) بازتاب عینی یافته است. تلفیق این چارچوب‌های نظری با مشاهدات میدانی، زمینه را برای بازتولید گزاره‌های جدید فراهم می‌سازد؛ گزاره‌هایی که ناظر بر گسست میان برنامه‌ریزی کلان و نیازهای بومی، غیاب مشارکت اجتماعی، تمرکزگرایی نهادی، و بی‌عدالتی فضایی هستند. در ادامه، مؤلفه‌هایی که از تحلیل انتقادی اسناد توسعه‌ای استان استخراج شده‌اند، در نسبت با معضلات ملموس و تجربه‌شده در کمپ B بررسی و تطبیق داده می‌شوند

## • ضعف در انسجام راهبردی و نظام‌مندی برنامه‌ها

در کمپ B، فقدان چشم‌انداز یکپارچه و برنامه‌ریزی هماهنگ برای ساماندهی بافت، منجر به اجرای طرح‌هایی پراکنده، مقطعی و فاقد پیوند ارگانیک شده‌است. پروژه‌های نیمه‌تمام، خیابان‌هایی بی‌سرانجام و مسکن‌هایی فاقد خدمات پشتیبان، نشان‌دهنده نبود طرح کلان و فقدان هماهنگی در میان نهادهای مسئول است

## • فقدان انعطاف‌پذیری و انطباق‌پذیری

طراحی کالبدی محله به‌گونه‌ای بوده که تنوع نیازهای واقعی ساکنان و ویژگی‌های اجتماعی-فرهنگی جامعه محلی را نادیده گرفته است. الگوی تیپ‌سازی مسکن بدون توجه به سبک زندگی، هویت اجتماعی و کاربری‌های ترکیبی، فضاهایی بی‌روح، ناکارآمد و ناپایدار تولید کرده است

## • مشارکت‌ناپذیری اجتماعی

ساکنان کمپ B در هیچ‌یک از مراحل طراحی، مکان‌یابی، ساخت یـا واگذاری پروژه‌ها دخیل نبوده‌اند. این حذف مشارکت، منجر به بی‌اعتمادی، احساس بی‌تعلقی و حتی ترک برخی خانوارها از پروژه شده‌است؛ وضعیتی که هم اثربخشی برنامه‌ها را کاهش داده و هم سرمایه اجتماعی را تضعیف کرده است

## • فقدان عدالت فضایی و اجتماعی

در مقایسه با سایر محله‌های شهری، کمپ B از کمترین سطح خدمات برخوردار است. مسیرهای خاکی، کمبود مراکز آموزشی و درمانی، و تبعیض در تخصیص زیرساخت‌ها، بازتابی از نابرابری سیستماتیک در توزیع منابع شهری و ضعف عدالت فضایی در سیاست‌گذاری است.

## • ضعف نهادی و سیاستی

عدم پاسخ‌گویی روشن از سوی نهادهای مرتبط شهرداری، مسکن، امور اراضی در خصوص وضعیت مالکیت اراضی محله، نه‌تنها حقوق ساکنان را در ابهام قرار داده، بلکه فرایند اجرای پروژه‌ها را نیز با بن‌بست مواجه کرده است. این بی‌سامانی نهادی، یکی از ریشه‌های اصلی استمرار وضعیت نابسامان محله است

## • اقتصادگرایی افراطی و تکنوکرات‌محوری

طراحی مسکن در کمپ B، بیش از آن‌که تابع الزامات اجتماعی و فرهنگی باشد، حاصل تیپ‌سازی فنی و رویکردی استانداردمحور بوده‌است. فضاهایی بدون انعطاف‌پذیری برای زیست چندنسلی، فعالیت‌های اقتصادی خانگی یا مناسبات محلی، نه «خانه» بلکه واحدهایی عملکردی و بی‌هویت تولید کرده‌اند



[ Downloaded from jors-sj.com on 2026-11-24 ]

[ DOI: DOI: 10.22034/4]

## • فقدان زیرساخت‌های پایه و خدمات انسانی

نارسایی‌های جدی در حوزه‌هایی چون آموزش، بهداشت، فضای سبز، فاضلاب و جمع‌آوری پسماند، نمایانگر همان توسعه نامتوازن و بخشی است که در تحلیل اسناد بالادستی مشاهده می‌شود. تأکید بر ساخت‌وساز بدون پیوست خدمات انسانی، کیفیت زندگی را به شدت کاهش داده‌است

## • جمع‌بندی

بر اساس این تطبیق تحلیلی، تجربه کمپ B نه یک مورد استثنایی، بلکه نمودی روشن از الگوی مسلط توسعه در استان خوزستان است. همان‌گونه که تجربه شهرسازی استعماری در این استان نشان داده، هنگامی که برنامه‌های توسعه بدون درک بسترهای اجتماعی و فرهنگی و صرفاً در راستای اهداف بالادستی طراحی می‌شوند، نه‌تنها قادر به پاسخ‌گویی به نیازهای زیستی ساکنان نیستند، بلکه به بازتولید نابرابری فضایی، سلطه ساختاری و شکل‌گیری فضاهایی دوگانه و ناعادلانه منجر می‌شوند (Zandieh et al., 2021). این مقایسه، نه‌فقط فاصله میان متن سیاست‌گذاری و واقعیت میدانی را آشکار می‌سازد، بلکه ناپیوستگی عمیق میان اهداف اعلام‌شده توسعه و زیست‌جهان واقعی ساکنان را نیز برجسته می‌کند. از این منظر، مطالعه کمپ B فراتر از یک نمونه موضعی، بستری برای نقد ریشه‌ای سازوکارهای رایج برنامه‌ریزی و لزوم بازاندیشی جدی در الگوهای مداخله در سکونتگاه‌های حاشیه‌نشین و غیررسمی فراهم می‌آورد

## نتیجه‌گیری

نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که ناکامی‌های توسعه در محله‌هایی چون کمپ B بندر امام خمینی (ره)، نه صرفاً به ضعف در اجرا یا محدودیت منابع، بلکه به بنیان‌های مفهومی و نهادی سیاست‌گذاری توسعه‌ای در ایران بازمی‌گردد. تحلیل داده‌های میدانی در کنار مطالعات نظری نشان داد که منطق غالب بر برنامه‌ریزی، مبتنی‌بر توسعه‌ای اقتدارگرا، کالبدگرا و بالا به پایین است که مشارکت اجتماعی، عدالت فضایی و زمینه‌مندی فرهنگی را به حاشیه رانده است. در چنین الگویی، توسعه نه‌تنها به بهبود شرایط زندگی منجر نمی‌شود، بلکه اغلب به بازتولید نابرابری‌ها، حاشیه‌نشینی و فرسایش سرمایه اجتماعی انجامیده است

سنتز مفهومی یافته‌ها بر اساس شاخص‌هایی چون غیبت انسجام راهبردی، ضعف نهادی، فقدان انعطاف‌پذیری و انطباق‌پذیری، مشارکت‌ناپذیری اجتماعی و فقدان عدالت اجتماعی، غلبه اقتصادگرایی و فقر خدمات پایه، نشان داد که این مؤلفه‌ها در وضعیت کالبدی، نهادی و اجتماعی کمپ B بازتابی روشن و مستند دارند. تجربه سکونت در این محله، با خانه‌هایی نیمه‌کاره، خدمات حداقلی و فضایی آکنده از احساس طردشدگی، نمونه‌ای عینی از شکست رویکردهای توسعه‌بخشی رایج است

در پاسخ به پرسش اصلی پژوهش، می‌توان گفت که مسئله توسعه در مناطق حاشیه‌ای، نه به‌عنوان یک استثناء، بلکه به‌عنوان بخشی از یک قاعده تثبیت‌شده در ساختارهای برنامه‌ریزی توسعه در کشور قابل تحلیل است. تا زمانی که این ساختارها بازتعریف نشده و توسعه از سطحی متمرکز، کالبدی و غیرمشارکتی، به الگویی زمینه‌محور، انسانی و مشارکت‌پذیر عبور نکند، نمی‌توان به تحقق توسعه‌ای پایدار، عادلانه و بومی در این مناطق امید داشت

## تعارض منافع

نگارندگان اعلام می‌دارند که در انجام این پژوهش هیچ‌گونه تعارض منافعی برای ایشان وجود نداشته است

## فهرست منابع


• ازکیا، مصطفی و غفاری، غلامرضا. (۱۳۹۳). *جامعه‌شناسی توسعه*. کیهان.

• اعتماد، گیتی؛ بهزادفر، مصطفی و صالحی میلانی، ساسان. (۱۳۸۷). *مکان‌ها و مکان‌سازی*. جامعه مهندسین مشاور ایران.

• خوشفر، غلامرضا؛ بارگاهی، رضا و کرمی، شهاب. (۱۳۹۳). بررسی سرمایه اجتماعی و پایداری اجتماعی (مطالعه موردی: شهر گرگان). *فصلنامه مطالعات مدیریت شهری*، ۸، ۳۱-۴۶. https://urbstudies.uok.ac.ir/article_6420.html?lang=fa

• سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان خوزستان (۱۳۹۷). چکیده *مطالعات آمایش استان خوزستان*. سازمان برنامه و بودجه کشور. https://l1nq.com/vNe1Z

• سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان خوزستان. (۱۳۹۸). *پیش‌نویس سند آمایش سرزمین استان خوزستان. سازمان برنامه و بودجه کشور*. مرکز پژوهش‌های توسعه و آینده‌نگری. https://sl1nk.com/YXLle

• مخلص، فرنوش و جعفری، صبا. (۱۴۰۳). نقش برنامه‌های کلان توسعه نامتوازن بر عدم ارتقای کیفی و پیوستگی منظر روستا (نمونه مورد مطالعه: روستاهای سرخ دم لکی و ابوالوفا، کوهدشت، ایران). *سومین کنفرانس بین‌المللی پیشرفت‌های اخیر در مهندسی، نوآوری و تکنولوژی*. https://isnac.ir/XKBA-AAAEEB

• مرکز معماری اسلامی و حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی. (۱۴۰۲). *مسئله شناسی و ارائه پیشنهاد برای ارتقاء محله کمپ بی (شهرک شهید صباغان)؛ بندر امام خمینی*. طرح پژوهشی درون سازمانی. حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی.

• مرکز ملی آمار. (۱۳۸۵). *نتایج سرشماری نفوس و مسکن بندر امام خمینی سال ۱۳۸۵*.

• مهدی‌پور، مهران. (۱۳۷۷). *برنامه‌ریزی توسعه فضایی شهرستان شهریار* (پایان‌نامه کارشناسی ارشد). دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه شهید بهشتی. لینک دسترسی: https://library.sbu.ac.ir/DL/Search

• Almeida, P. R. (1994). *A cláusula social no comércio internacional*. RBCE Comércio Exterior, (40).

• Antoniades, A., Antonarakis, A. S., Gilman, J., Kempf, I., & Lan, L. L. (2021). Special issue: The poverty-inequality-environment frontier in the age of the crises. *Sustainable Development, 29*(3). https://doi.org/10.1002/sd.2194

• Apter, D. E. (1967). *The politics of modernization*. University of Chicago Press.

• Attfield, R., & Wilkins, B. (Eds.). (1992). *International Justice and the Third World: Studies in the Philosophy of Development*. London, Routledge.

• Behzadfar, M., & Ziari, K. (2023). Strategic-Operational Planning of Urban Development, Case Study: Bandar Abbas City, Iran. *Urban Planning Knowledge, 7*(3), 90-107. https;//doi.





[ Downloaded from jors-sj.com on 2026-11-24 ]

[ DOI: DOI: 10.22034/3.6.4 ]

org/10.22124/upk.2023.7638
• Friedmann, J. (1992). Empowerment: *The politics of alternative development*. John Wiley & Sons.
• Maghsoudi, A. (2019). Modernist Unilateralism and the Urban Development Policies of Contemporary Iran. *MANZAR, the Scientific Journal of Landscape, 11*(48), 6-13. https:// 10.22034/manzar.2019.192557.1977
• Mansouri, S. A. (2025). Calamities of Development. *MANZAR, the Scientific Journal of Landscape,17*(70), 3. https://doi.org/10.22034/MANZAR.2025.2177486
• Morin, E. (2003). *l' humanite de l'humanite* (A, Nikpay & F, Mohammadi, Trans.). Ghasidesara. (Original work published 2001). [In French]
• Rabie, M. (2016). *A theory of sustainable sociocultural and economic development*. Hampshire: Palgrave Macmillan.
• Rist, G. (2001). *Le développement: Une histoire de croyance occidentale*. Paris: Presses de Sciences Po.
• Sabokro, D., Sartipi Isfahani, M R., & Soleimani Salar, P. (2024) The Impact of Place-Oriented Industrial Development on the Migration Rate (Case Study: Kuhdasht Villages in Lorestan Province). *Journal of Revitalization School, 2*(2), 6-13. https://doi.org/10.22034/2.2.6
• Scott, J. C. (2020). *Seeing like a state: How certain schemes to improve the human condition have failed*. Yale University Press.
• Sivaev, D. (2015). *What makes a good city strategy? Competitive Cities for Jobs and Growth*. Companion Paper, (8). https://hdl.handle.net/10986/23567
• Taqipour Akhtari, A., & Alipour Tabrizi, A. (2023). An assessment of Tehran physical-spatial development planning laws: Using PLAF model. *Bagh-e Nazar, 20*(118), 37–50. https://doi.org/10.22034/bagh.2022.315845.5047
• Todaro, M. P., & Smith, S. C. (2009). *Economic development*. Pearson Education.
• Veiga, J. E. (2005). *Desenvolvimento sustentável: O desafio do século XXI*. Rio de Janeiro: Garamond.
• Zandieh, M., & Hekmat, M., & Maghsoudi, A. (2021). Analysis of the Concept of Colonial Urbanization in Iran, Case study: Abadan during Britain Oil Colonialism. *Bagh-e Nazar, 18*(98), 5-20. https://doi.org/10.22034/BAGH.2021.242478.4624

COPYRIGHTS
Copyright for this article is retained by the authors with publication rights granted to Revitalization School journal. This is an open access article disributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution License (http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/).

**نحوهٔ ارجاع به این مقاله**
سبک‌رو، دلارام و جعفری، صبا. (۱۴۰۴). ارزیابی پیامدهای توسعه‌بخشی از منظر ساختار و اقتضائات درونی برنامه‌های توسعه‌ای (مطالعه موردی: کمپ B در بندر امام خمینی (ره)). مکتب *احیاء*، ۳(۶)، ۲۴-۳۳.

**DOI: https://doi.org/10.22034/3.6.4**
**URL: https://jors-sj.com/article-1-75-fa.html**





[ Downloaded from jors-sj.com on 2026-11-24 ]
[ DOI: DOI: 10.22034.4 ]